

سیاست خارجی صهیونیسم مسیحی

کی.سی. بوید

مترجم: سعید علی محمدی

چکیده

جان هگی، صهیونیست مسیحی، کشیش ارشد و مؤسس کلیسای گرنِ استون سن آنتونیو تگزاس و اتحادیه مدافع اسرائیل است. او سال‌هاست که در دفاع از یهودیان سراسر دنیا کوشیده و میلیون‌ها دلار برای انتقال یهودیان سراسر جهان به فلسطین اشغالی صرف کرده است. البته اقدامات او چندان با صلح فلسطین - اسرائیل همداستان نبوده و همچنین دخالت‌های او در امور یهودیان سبب تضعیف منافع آمریکا و اسرائیل شده و این امر موجبات نگرانی ایشان را فراهم آورده است. این مقاله ضمن بیان دیدگاه‌های جان هگی، پدیده صهیونیسم مسیحی را بررسی کرده است.

کلیدواژگان: صهیونیسم مسیحی، اسرائیل، فلسطین، یهودی، آرماگدون.

شما نظاره‌گر پادشاهی جنوب هستید که با سرعتی برق‌آسا در حال شکل‌گیری است. آیا می‌توانید تصور کنید که اسرائیل در برخورد با ایران، مصر، سوریه، ترکیه و روسیه‌ای که بعد از آنها می‌آید با چه مسائلی روبه‌رو خواهد شد؟ حزقیال نبی این جنگ را هزاران سال قبل پیش‌بینی کرده بود و شما بازی‌گردانانی را که به سرعت وارد کارزار می‌شوند مشاهده می‌کنید. عیسی ۷ می‌فرماید: «آن هنگام که این علائم را می‌بینید، دست‌ها را بر روی سر ببرید و شادمانی کنید.» جان هگی، مؤسس اتحادیه مدافع اسرائیل.

صهیونیسم مسیحی حدوداً ۱۶۰۰ میلادی به وجود آمد. در زمانی که پادشاه مذهبی انگلیس جیمز اول شرح کتاب مقدس را می‌خواند اظهار داشت که پایان جهان در جایی که فلسطین نامیده می‌شود به وقوع خواهد پیوست. او طبق شرحی که خوانده بود، پیش‌شرط جنگ نهایی آرماگدون، وجود دوازده هزار عضوی بود که هریک از دوازده قوم یهود باید از آوارگی به صهیون باز می‌گشتند.

اکنون پس از چهارصد سال بعد از زمانی که جان هگی، سارا پالین یا مایک هوکابی در خصوص «تجمع» سخن می‌رانند، با یک زبان مرموز سخن می‌گویند که نه تنها به بازگشت یهودیان به اسرائیل، بلکه به صهیونیسم مسیحی اشاره دارد که در آرزوی جنگی از پیش در نظر گرفته‌شده است. در چشم‌انداز رستاخیزی آنها، توان بالقوه نابودی اسرائیل نهفته است، چراکه دیدگاهی است برانگیخته از گرایشی حساب شده به تحریک شدید جنگ و نفرت برضد مسلمانان و در نهایت سوق دادن جهان به جنگ و آتش. با سپاس! از تلاش‌های جان هگی، مؤسس کلیسای گرنِ استون در سان آنتونیو ایالت تگزاس و اعضای میلیونی نمایندگان صهیونیست مسیحی، جنگ نهایی در قالب هولوکاست فراخواهد رسید؛ جنگی که صهیونیست‌های مسیحی هر دو خواهان‌اند و مشوق. رهبر روحانی، جان هگی در حال حاضر شناخته‌شده‌ترین صهیونیست مسیحی در صحنه است. او ده‌ها سال است

که عمر خود را برای جمع‌آوری میلیون‌ها دلار برای انتقال یهودیان روسیه و اتیوپی به مناطق مورد مناقشه اسرائیل صرف کرده است. در این اقدام او بیش از دیگر صهیونیست‌های مسیحی پیشی گرفته است. هگی با تأمین منابع مالی برای اسکان یهودیان در سرزمین‌های مشخص که اگر تا به حال صلح می‌بود باید روزی به فلسطینیان باز پس داده می‌شد، تقریباً شرایط صلح بین دولت را ناممکن ساخته است.

در نظر هگی [فلسطین] سرزمینی است که خدا به یهودیان، یعنی قوم برگزیده عطا کرده است، بنابراین حقاً متعلق بدانهاست. یهودیان بر اساس سفر پیدایش ۱۲:۳ عقیده به سیره و میراثی بدین مضمون بنا نهادند که خدا وعده داده است انسان یا ملت برگزیده را مورد لطف قرار دهد. هگی هم چندین میلیون دلار از تبلیغ امپراتوری مسیحی را در حمایت از اسرائیل جمع‌آوری نمود و میزان پیروی به تنهایی او را به بازیگر سیاسی مهمی تبدیل نموده است. همچنین او به یکی از نخست‌وزیران نتانیاها و بهترین دوست کمیته امور عمومی اسرائیلی - آمریکایی (ایپک) مبدل شده است.

هر زمانی که مسائل مرتبط با تقسیم اورشلیم یا بازگشت سرزمین‌های مناطق مورد مناقشه به میان می‌آید جان هگی و دیگر سران صهیونیست مسیحی فراخوان ارتشی آماده به جنگ را سر می‌دهند تا بر نمایندگان سیاسی‌شان فشار سریع وارد کنند؛ از بیم اینکه مبدا تصور شود که پایان‌دهندگان زمانه در صفوف آخرند. در یک نظرسنجی در نیوزویک به سال ۲۰۰۴ مشخص شد که ۵۵ درصد آمریکایی‌ها به عروج معتقدند، یعنی لحظه‌ای که مؤمنان خداجویی که دوباره متولد شده‌اند در یک چشم برهم‌زدن به سوی خدا عزیمت می‌کنند. مضاف بر آن ۴۲ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که فلسطین قطعاً از سوی خدا به یهودیان اعطا شده و به اندازه کافی دلایل جمعیت‌شناختی برای سیاست‌مداران اسرائیلی وجود دارد، حتی زمانی که حمایت از اسرائیل در جهت حمایت از منافع آمریکا نباشد.

وانگهی آنچه مایه نگرانی است، پذیرش منفعلانه صهیونیسم مسیحی از سوی یهودیان آمریکایی است. اطلاعات یهودیان در خصوص برنامه صهیونیسم مسیحی ناچیز یا بسیار کم است. همه آنچه می‌دانند این است که اتحادیه‌های یهودی، ایپک، انجمن ضد افترا و دیگر گروه‌های رسمی یهود پذیرش از صهیونیست‌های مسیحی را برگزیده‌اند و همان‌طور که در اسرائیل حق و حقوقی دارند، در آمریکا نیز چنین است...].

ماهیتی گردشی در روابط بین صهیونیست‌های مسیحی، ایپک، اعضای خاص کنگره ایالات متحده و نخست‌وزیر دولت اسرائیل بنیامین نتانیاها وجود دارد. میزان رأیی که این عده از اعضا به دست می‌آورند، به حدی اثرگذار است که هر خواسته کنگره بر ضد اسرائیل را - حتی زمانی که اسرائیل می‌کوشد که در ایجاد صلح کارشکنی کند - در هم می‌شکند. نتانیاها در استقبال از جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا با اعلام بیانیه طرح ساخت ۱۶۰۰ واحد خانه در رمّت شلومو در حومه شرقی بیت المقدس که ایالات متحده به دنبال موقف کردن آن بود، سیلی محکمی به صورت سیاسی وی نواخت. به همین علت است که طبق نظر ۶۱ درصد یهودیان اسرائیل و ۷۹ درصد یهودیان آمریکا در حمایت از راه‌حل دو جانبه دو کشور احتمال اینکه اسرائیل سرزمین به هم پیوسته فلسطین را باز پس می‌دهد و به ایجاد کشور فلسطین منجر می‌شود سریعاً رو به کاهش است.

همان‌طور که روشن گردید، دخالت صهیونیست‌های مسیحی به سختی می‌تواند امری مثبت در نزد یهودیان

شمرده شود، به ویژه هنگامی که نقش سیاسی صهیونیسم مسیحی با منافع خارجی ایالات متحده به طور گسترده تری در نظر گرفته شود، به خودی خود دخالت هگی در مناطق مورد مناقشه بر خلاف منافع اسرائیل و آمریکاست. با استفاده از آمار جمعیت شناختی پنجره راه حل دو جانبه سریعاً در حال بسته شدن است و از آنجا که رشد جمعیت عرب ها از یهودیان پیش افتاده است، اسرائیل ناگزیر است از هویت یهودی خود دست بردارد یا به ملتی نژادپرست تبدیل شود. متأسفانه هنگامی که شخصی توصیه ای ارائه می دهد یا از اعمال اسرائیل انتقاد می کند، بی درنگ و در اغلب موارد اشتبهاً به ضدیت با یهود متهم می شود.

از دیدگاه روان شناختی قابل درک است که مردم یهود با تاریخ طویل و دراز خود به عنوان مردمی ستم دیده، از مدافعان صهیونیستی مسیحی خود استقبال می کنند. زمانی که جان هگی پنجاه میلیون مسیحی انجیل پرست را برای قوم یهود پیشکش می کند، موضوع بسیار وسوسه انگیز و جذاب می شود. اساساً هگی بر حرفش پایبند است و در صدد مسیحی کردن یهودیان نیست؛ زیرا معتقد است که «بی حاصل است زیرا خداوند چشمان آنان را از شناسایی مسیح کور کرده است.» ولی او با این تیزهوشی گویی سرش را مانند کبک در برف فرو برده و متوجه اطراف نیست. بر مبنای «حقایق» صهیونیست های مسیحی، آن دسته از یهودیانی که مسیح را به عنوان منجی باور ندارند به جاودانگی خواهند رسید و مالکیت یهودی بر فلسطین پیش شرطی برای تحقق عقیده به رستخیز خواهد بود.

هدف از بیان این مطلب آن است که یهودیان امروزی از نظر معنوی مرده به حساب می آیند. گواه آن نیز آن است که خدا مغرضانه هیتلر را با هدف تعقیب و شکار مردم یهود بر روی زمین گماشت تا دستور کتاب مقدس را درباره جمع شدن یهودیان در سرزمین صهیون تحقق ببخشد. هگی ریشه خود را در اسرائیل و نه در یهودیان می داند.

مضاف بر آن، با وجود فاصله فاحش بین یهودیان و صهیونیست های مسیحی در همه مسائل جدا از اسرائیل، نظر نیست انگارانه رئیس جمهور ایران احمدی نژاد در مورد یهودیان مطرح شد که به لحاظ ذهنی از اعمال فشار عقب نشینی کنند و در این خصوص در گفت و گو با رهبران سازمان های یهودی شما دلایل را نخواهید شنید، بلکه صحبت از رعب و وحشت را خواهید شنید. اما جهان روی پوست هندوانه است، و دوستی خاله خرسه میان دو بازیگر به قوت خود باقی است و نهایتاً ترس شدید ضد یهودیت را پدید خواهد آورد، پس باید ترسید. آیا سیاستمدارانی که به سوی مذهب سوق داده شده اند باید در مناقشه کانونی ما را آشفته سازند. پیوند یهودی یا مسیحی صهیونیسم بر ملا خواهد شد و دنیا آمریکایی ها را برای مشارکتی سرزنش خواهد کرد. در کش و قوس روابط عمومی و پیچیده لیگ آبی فاکسمن از اعضای اتحادیه ضد افتراء، سازمانی که نگرانی اصلی اش ضد یهودیت است و توجه خود را بر هگی و صهیونیسم مسیحی متمرکز کرده است، مطمئناً هگی از انتقاد سازمان مورد آزار قرار می گیرد. او در سال ۲۰۰۵ سازمان های اصلی را واداشت تا به حقوق مسیحی پایبند باشند. حقی که هگی می خواهد، برقراری حکومت مذهبی در ایالت متحده است. هگی پس از رفت و آمد بسیار با همکارانش به انتقادات عمومی خاتمه داد.

در سال ۲۰۰۸ هنگامی که در پاسخ به پیشنهادی بر اساس این نظر که خدا هیتلر را در جهت تعجیل در تجمیع

یهودیان صهیون فرستاده است، فاکسمن بار دیگر از حمایت خود دست برداشت. در اصل این فراخوانی بود تا سازمانی‌های یهودی اتحاد را به حالت ایستا قرار دهند. «اکنون لازم است تا بر کلیت آرای هگی نظر بیفکنیم.» پس از یک سلسله نامه‌های بین فاکسمن و هگی، فاکسمن بار دیگر تلنگری زد. «یهودیان آمریکایی نباید در خصوص حمایت مؤمنانه بی‌قید و شرط اسرائیل تدافعی یا عذرخواهانه عمل کنند.» ضرورت حمایت از اسرائیل در حال افول بسیار مهم می‌باشد. خوشبختانه، حمایت مؤمنانه اجتناب‌ناپذیر، پایدار و بی‌قید و شرط است.

در همان زمان خاخام اریک یوفی و پس از او نماینده اتحادیه اصلاحات یهودیت نظری بسیار متفاوت در خصوص مسئله یهودیت صهیونیسم ارائه داد. او با ارائه سخنرانی در کنفرانس اصلاح خاخام‌ها در ایالت سینسیناتی اظهار داشت: «در خصوص سیاست‌های اسرائیل - فلسطین، جان هگی و اتحادیه مدافعان اسرائیل بسیار تندرو هستند: در بیان بی‌توجهی به دیگر ادیان و رد مصالحه منطقه‌ای تحت هر شرایطی دیدگاه‌هایشان برضد منافع آمریکا قرار دارد.» سخنرانی یوفی باید این پیام را به اعضای نهصد نفری خاخام‌های شرکت‌کننده می‌رساند که هم‌پیمان شدن با مسیحیان صهیونیست در نهایت به یهودیان و اسرائیل ضربه وارد خواهد کرد. البته این اتفاق رخ نداد.

پنج سال بعد در بهار سال ۲۰۱۳ معنای حرف هگی این را می‌رساند که او اسلام‌هراسی کینه‌توزانه را رها کرده است. خاخام یوفی چه از روی اخلاص و چه با فشار اعمال زور به حمایت اتحادیه با هگی معتقد باشد، یوفی کلام هگی را پذیرفته و به دام صهیونیست‌های مسیحی گرفتار شده است. حتی با لحن آرام هگی، هر شخص فکر خواهد کرد خاخام یوفی این را باید بداند که از علاقه او (هگی) به جنگ آخرالزمانی بین مسلمانان و مسیحیان هرگز کاسته نخواهد شد.

یهودیت آمریکایی با اعمال خطرناک صهیونیسم مسیحی همداستان بوده است. دست گذاشتن در دست سیاست مسیحیان صهیونیست برای آسیب رساندن به سیاست خارجی ایالات متحده روزی به قطع و یقین موتور آزار و ایذاء یهودیان را روغن کاری خواهد کرد.

خطر جان هگی حاکی از این است که صرفاً به لحاظ سیاسی به اندازه کافی جهان را به سوی تحقق هسته کتاب مکاشفه سوق داده است. منطقه ژئوپولیتیک عرب، پیچیده و دشوار، و همان‌طور که خودشان نیز چنین‌اند نیازمند مغزهای آرام و شفاف است و بر مغزهایی که بر اساس انجیل و قرآن جهت داده نشده است چیره می‌شوند. در سال ۱۹۴۷ زمانی که ترومان قطعاتی از کتاب سفر تثنیه را به عنوان اساسی برای تشکیل اسرائیل قرائت کرد، وزیر امور خارجه جورج مارشال از اینکه یک نماینده آمریکایی خط‌مشی مهمی را بر اساس انجیل قرار داده بود بسیار خشمگین شد. در گردش ادوار تاریخ، یهودیت رسمی امروز خود را همداستان دیده با آنهایی که عقیده دارند خط-مشی خارجی بر اساس کتاب وحی است.

خاخام بری بلاک از کنیسه بیت الحم در ایالت سن آنتونیو آگاهانه در سخنرانی سال ۲۰۰۶ بیان داشت: «افراطی‌گری مذهبی بر اعتقادات لابی ارجحیت دارد. بگذارید همان‌طوری که خودشان دوست دارند عمل کنند؛ همان‌طوری که مسیحیان، بدون دخالت اجتماعات یهودی سازمان‌یافته، می‌خواهند عمل کنند. بگذارید با چشمانی باز به فاصله‌های دور، برای آینده خودمان به عنوان ملت یهود آمریکا، برای روحمان اسرائیل، به پیش برویم.»

آیا صهیونیست‌های مسیحی همانند جان هگی در راستای جناح راست متنفذ و غیر معقول اسرائیل راه خود را تداوم می‌بخشند؟ صداهایی چون بلاک، المرت، داگان و کری گم خواهند شد و در حقیقت اسرائیل دچار معضل خواهد شد. کاملاً واضح است و باید دانست و آگاه بود که اهداف صهیونیست‌های مسیحی بر خلاف صلح واقعی در غرب آسیاست.

هرچند تلاش‌های هگی برای برخی به نظر یاری‌رسانی است، در دراز مدت این تلاش‌ها شبیه به سیب سمی خواهد بود. اگر صهیونیست‌های مسیحی همچنان به مذاکرات صلح خدشه وارد کنند، در نهایت یهودیان هزینه واقعی معامله با خاله خرسه را پرداخت خواهند کرد.

این بدان معناست که مگر با سکوتی که تاکنون حاکم بوده است، اکثریت یهودیت و مسیحیت اراده کنند و دوباره باز گویند و دوباره مدعی شوند که زمانی در تاریخ محترم بوده‌اند. برای انجام آن، یهودیان اسرائیل و هم ایالات متحده باید شجاعت سیاسی پیدا کنند تا در چشمان جان هگی بنگرند و بگویند: «تو را به خیر و ما را به سلامت» صرفاً در آن موقع است که احتمالاً سیاست، بخت و اقبالی برای خود پیدا خواهد کرد.